

رابطه هوش معنوی مدیران و معلمان با شادکامی دانش‌آموزان شهرستان گنبدکاووس

مرضیه حیدری فتسمی

کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه میان هوش معنوی مدیران و معلمان با شادکامی دانش‌آموزان مدارس متوسطه شهرستان گنبدکاووس بود. روش انجام پژوهش از نوع تحقیقات همبستگی و شیوه گردآوری اطلاعات - به صورت میدانی بود. جامعه آماری مدیران شامل ۱۸ نفر مدیر مدارس متوسطه گنبدکاووس و به تفکیک جنسیت ۱۰ مدیر زن و ۸ مدیر مرد بود. همچنین دانش‌آموزان شامل ۱۴۸۸ نفر، و به تفکیک جنسیت ۶۵۹ نفر پسر و ۸۲۹ نفر دختر بودند که در ۸ دبیرستان شهرستان گنبدکاووس مشغول به تحصیل بودند. نمونه آماری - مدیران شامل ۸ مدیر به تفکیک جنسیت ۴ مدیر مرد و ۴ مدیر زن بود که به صورت تصادفی از جامعه مدیران انتخاب گردیدند. نمونه آماری دانش‌آموزان شامل ۴۰۰ نفر، ۱۷۷ نفر دانش‌آموز پسر و ۲۲۳ نفر دانش‌آموز دختر بود و از ۸ دبیرستانی که نمونه آماری مدیران در آنجا بود به صورت تصادفی «طبقه‌ای» خوشه‌ای انتخاب گردیدند. ابزارهای اندازه‌گیری در این پژوهش شامل پرسشنامه ۲۴ گزاره‌ای هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸) برای مدیران مدارس با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰۸ / و پرسشنامه ۲۹ گزاره‌ای شادکامی آکسفورد آرگایل (۲۰۰۱) برای دانش‌آموزان با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹۸ بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی جداول و نمودارهای فراوانی و میانگین همچنین روش آمار استنباطی، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده گردید. بر اساس نتایج بدست آمده میان هوش معنوی مدیران و معلمان با شادکامی دانش‌آموزان رابطه معنادار و مثبتی وجود داشت. همچنین هوش معنوی مدیران و معلمان بیشترین رابطه را با مؤلفه خود کارآمدی دانش‌آموزان داشت، تفکر وجودی مدیران و معلمان با آمادگی روانی دانش‌آموزان بیشترین رابطه را داشت، و گسترش معنای شخصی مدیران با رضایت از زندگی دانش‌آموزان بیشترین رابطه را داشت. بسط هوشیاری مدیران و معلمان با احساس زیباشناختی دانش‌آموزان بیشترین رابطه را داشت. آگاهی متعالی مدیران و معلمان با احساس خودپنداری دانش‌آموزان بیشترین رابطه را داشت.

واژه‌های کلیدی: هوش معنوی، شادکامی، مدیران و معلمان، دانش‌آموزان متوسطه.

مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی

دوره ۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷، صفحات ۱۰۱-۱۲۲